

مکتب دهداری
فرا تر از فوتبال
علاقه - تحصیل - فوتبال
تألیف:
دکتر محمد خبیری
(عضو هیات علمی دانشگاه تهران)
مهدی غفوری یزدی

سرشناسه	خیری، محمد. ۱۳۲۸.
عنوان و نام پدیدآورنده	مکتب دهداری فراتر از فوتبال مؤلفان محمد خیری، مهدی غفوری یزدی.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۲۶؛ مصور، نمونه، عکس.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۸۵۸-۸۴-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۲۶.
موضوع	دهداری، پرویز، ۱۳۱۱-۱۳۷۱ -- نقد و تفسیر
موضوع	فوتبالیست ها - ایران -- خوزستان
موضوع	Soccer players -- Iran -- Khuzestan
موضوع	مربیان فوتبال -- ایران -- خوزستان
موضوع	Soccer coaches -- Iran -- Khuzestan
شناسه افزوده	غفوری یزدی، مهدی، ۱۳۶۸.
شناسه افزوده	پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ خ ۷/د ۹۴۲/۷ GV
رده بندی دیویی	۷۹۶/۳۳۴۰۹۵۵۸۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۵/۳۳

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی



مکتب دهداری (فراتر از فوتبال)

تألیف: دکتر محمد خیری، مهدی غفوری یزدی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۵۸-۸۴-۵

ناشر: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

شمارگان: ۱۰۰۰ - نوبت چاپ: تهران، اول ۱۳۹۵ - قطع: وزیری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نگاران قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

تهران: خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳- کد پستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱

تلفن: ۸۸۷۴۷۸۸۴ (۰۲۱) نامبر: ۸۸۷۳۹۰۹۲ info@ssrc.ac.ir ssrc.ac.ir

کلیه حقوق برای پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محفوظ است.

فهرست مطالب

فصل اول: معرفی تحلیلی بر زندگی مرحوم دهداری از طلوع تا غروب.....	۲۱
دهداری یک شاهینی اصیل.....	۲۴
افسانه مکتب شاهین و نقش دهداری در آن.....	۲۴
انحلال باشگاه شاهین.....	۲۹
تولد تیم گارد.....	۴۲
چند خاطره.....	۴۵
نقش‌های دهداری.....	۴۶
پیشرفت قابل توجه تیم گارد در سال ۵۱.....	۵۵
چند خاطره.....	۵۶
جام تخت جمشید و ظهور پدیده‌ای به نام هما.....	۶۱
چند خاطره.....	۶۲
دهداری بانی ساخت چند زمین چمن در تهران.....	۶۳
تیم هما تهران وارد می‌شود.....	۶۴
چند خاطره.....	۶۵
شروع بیماری دهداری.....	۶۸
حضور در مسابقات جام ریاست جمهوری کره جنوبی.....	۷۰
چند خاطره.....	۷۵
دهداری و بازی در تیم ملی.....	۸۰
مسابقات مقدماتی بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ توکیو.....	۸۰
صعود تیم ملی فوتبال ایران به بازی‌های المپیک مونیخ ۱۹۷۲.....	۸۴
قهرمانی در جام کوروش کبیر.....	۸۵
دهداری سر مربی تیم ملی فوتبال پس از انقلاب.....	۸۹
چند خاطره.....	۹۱
مسابقات مقدماتی برای حضور در مسابقات جام ملت‌ها (۱۹۹۸).....	۹۷
چند خاطره.....	۹۸

- آخرین حضور دهداری در استادیوم آزادی..... ۱۰۳
- چند خاطره..... ۱۰۴
- رحلت دهداری به دیار باقی..... ۱۰۵

فصل دوم: دهداری در نگاه دیگران..... ۱۰۹

- محمد رنجبر، همبازی و هم‌اتاقی دوران جوانی دهداری..... ۱۰۹
- نصرالله سجادی، دبیر کل کمیته ملی المپیک وقت..... ۱۱۰
- حمید جاسمیان، همبازی دهداری..... ۱۱۰
- آر. محمدخانی، بازیکن تیم ملی..... ۱۱۱
- حاج محمود دانایی، دوست چهل ساله دهداری..... ۱۱۱
- ناظم رحیم، همبازی و شاگرد دهداری..... ۱۱۱
- حبیب یزاده، از دربان دهداری..... ۱۱۲
- محمد نواب یکی از شاگردان دهداری..... ۱۱۲
- محمدرضا پهلوان، رئیس سابق فدراسیون فوتبال..... ۱۱۳
- سید سجاد صادقی، یکی از دربان دهداری..... ۱۱۳
- خیبری، از شاگردان دهداری و سابق فدراسیون فوتبال..... ۱۱۳
- ناشناس..... ۱۱۵

فصل سوم: تحلیلی بر عملکرد دهداری..... ۱۱۷

- ۱- در مربی‌گری اختیار تام داشت..... ۱۱۷
- ۲- دارای فلسفه مربیگری بود..... ۱۱۸
- ۳- از خودگذشتگی و انسجام تیمی را نشان می‌داد..... ۱۱۹
- ۴- دهداری خردورز بود..... ۱۲۰
- ۵- در کار مربیگری هیچ‌وقت به مادیات فکر نمی‌کرد..... ۱۲۲
- ۶- سازگاری با شرایط موجود..... ۱۲۳
- ۷- توانمندسازی بازیکنان..... ۱۲۳
- ۸- به دنبال تبلیغات نبود..... ۱۲۵
- ۹- دارای هوش هیجانی بالایی بود..... ۱۲۷
- ۱۰- اعتقاد به نظم و انضباط فردی و تیمی..... ۱۲۷
- ۱۱- اعتقاد به پیشرفت‌های تدریجی..... ۱۳۱
- ۱۲- توانمندی‌های روان‌شناختی در مربیگری دهداری..... ۱۳۳
- ۱۳- دهداری روابط عمومی مؤثر با افراد داشت..... ۱۴۴
- ۱۴- عزت‌نفس بازیکنان را بالا می‌برد..... ۱۴۵

۱۴۷	فصل چهارم: گزارش یک پژوهش روایتی.....
۱۴۹	ویژگی‌های مکتب تربیتی مرحوم دهداری.....
۱۵۱	چشم‌انداز مکتب دهداری.....
۱۵۱	اصول مکتب دهداری.....
۱۵۸	رویکردهای مکتب دهداری.....
۱۶۳	ویژگی‌های شخصیتی مرحوم پرویز دهداری.....
۱۶۴	باوجدان.....
۱۶۶	عمد کرای مگر خواه.....
۱۶۷	جتماعی و اهل معاشرت.....
۱۶۸	با نوش.....
۱۷۱	اثراگذار به ود متک.....
۱۷۲	رهبر.....
۱۷۴	ویژگی‌های اخلاقی رفتاری مرحوم پرویز دهداری.....
۱۷۵	پرورش دهنده شخصیت.....
۱۷۷	رهبر تحول‌آفرین.....
۱۸۰	ادب در قضاوت.....
۱۸۲	ثبات رفتاری و اخلاقی.....
۱۸۵	مردمی و ساده‌زیست.....
۱۸۷	عاشق انسان‌ها.....
۱۹۰	پایبند به ارزش‌های دینی و ملی.....
۱۹۴	مواجهه سنجیده با مشکلات.....
۱۹۷	کلام نافذ.....
۱۹۹	رسیدگی به محرومان.....
۲۰۲	ویژگی‌های مربیگری مرحوم دهداری.....
۲۰۷	یافته‌های فرعی: برخی ویژگی‌های فنی.....

۲۱۳	فصل پنجم: سخن آخر و چالش‌های پیش روی فوتبال امروز.....
۲۲۷	پرویز دهداری در یک نگاه.....
۲۲۸	منابع.....

پیشگفتار

تربیت بدنی و علوم ورزشی به عنوان یک حوزه علمی دانشگاهی در سال‌های اخیر روند رو به رشدی را در تمامی زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی داشته است. یکی از مسایل مهم مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان، شناسایی، فراهم‌سازی و تقویت زمینه‌های لازم برای تولید دانش علوم ورزشی و به‌کارگیری علوم ورزشی تولید یافته در رصدهای ورزش قهرمانی و میادین بین‌المللی و نیز ورزش همگانی و سلامت عمومی است. به همین جهت پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی که در راستای سیاست‌های علمی، آموزشی و پژوهشی خود، برای انتقال آخرین یافته‌ها به منظور توسعه روزافزون دانش و فناوری در ایران اسلامی بنیان نهاده شده، در نظر دارد با فراهم کردن بستری مناسب برای پیشبرد فعالیت‌های پژوهشی و نیز ارتقاء سطح علمی، فرهنگی و کمک به عمیق‌تر شدن علم، عمل، گامی مؤثر در رفع نیازهای علمی ورزش کشور بردارد. در این راستا، پژوهشگاه اقدام به انتشار کتاب‌های علمی - ورزشی - تخصصی برگرفته از تلاش‌های متخصصان، محققان و دانش‌آموختگان تربیت بدنی و علوم ورزشی نموده است. امید است با انتشار این گونه کتب، به فضل خداوند متعال، گام‌های مؤثری در جهت تحقق اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران برداشته باشیم.

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پیشگفتار

◆ آشنایی با برونز دهداری و انگیزه نوشتن این کتاب

سال ۱۳۴۳ در مسابقات مقدماتی المپیک ۱۹۶۴ توکیو، تیم ملی فوتبال ایران در مقابل تیم ملی کشور هندوستان بازی داشت. نام‌های بازیکنان تیم ملی ایران در آن زمان در بین مردم، علی‌الخصوص جوانان، سر زبان‌ها افتاده بود. شیرزادگان، بهزادی و دهداری، سه چهره بسیار مشهور آن زمان شده بودند. دهداری، یک کاپیتان بازی ساز، ذهن ما جوانان آن زمان را بیشتر به خودش معطوف کرده بود. گرچه در آن زمان، بازی والیبال در کوچه و پس کوچه‌های شهر بسیار رایج بود و شدیداً همه بچه‌های محل را با یک توپ لاستیکی مشغول به خود کرده بود، ولی یک مرتبه فوتبال چهره شد و همگی ناخواسته به تشکیل تیم و بازی در زمین‌های خاکی اطراف تهران کشیده شدند. در اطراف محل ما، در خوانسار، در قسمت جنوب پارک شهر یک زمین آسفالت بزرگ قرار داشت که اغلب در آن جا عدای فوتبال بازی می‌کردند ولی برای ما جذابیتی نداشت. تا اینکه صحبت‌های فوتبال در بین بچه‌های محل بیشتر و بیشتر شد و آن زمانی بود که تیم ملی ایران توانسته بود در بازی‌های مقدماتی المپیک ۱۹۶۴ بر تیم‌های پاکستان و عراق غلبه کند و همه بچه‌های محل در مورد آن بازی‌ها صحبت می‌کردند. نام دهداری به عنوان کاپیتان تیم ملی فوتبال، علی‌الخصوص در بازی‌های رفت و برگشت پاکستان، که آن زمان قدرت فوتبال بالایی برای خود دست و پا کرده بود، و تیم ملی عراق در بین ما پیچید.

کم‌کم، علی‌رغم علاقه بسیار زیاد به والیبال، که گاهی هم با بچه‌ها فوتبال بازی می‌کردیم و خیلی زود مهارت‌های فوتبال را نیز یاد گرفتیم. بچه‌های محل تصمیم گرفتند که برای بازی تیم ملی ایران و هندوستان به امجدیه بروند و تا حدودی هم انگیزه رفتن به امجدیه در ما ایجاد شده بود و تا آن موقع فقط اسم امجدیه را شنیده بودیم. به زحمت توانستیم با بچه‌های محل و هم

تیمی‌های خود به همراه آقای احمد مسیح‌زاده، که خود از بازیکنان دریل‌زن باشگاه جعفری بود و به عنوان مربی فوتبال، که ما را به دور خود، در مقابل مدرسه عسجدی، واقع در کوچه چاله حصار گلوبندک (۱۵ خرداد فعلی)، جمع کرده بود تا به امجدیه برویم.

دیدن مسابقه بسیار حساس بین ایران و هندوستان از پشت فنس‌های امجدیه، در میان بیش از ۲۵ هزار تماشاچی، که به سختی قابل پی‌گیری بود، یک دنیا برایم ارزشمند بود و اثرات فوق‌العاده‌ای در ذهنم گذاشت. رفتن به داخل استادیوم امجدیه، آن هم بدون بلیط و از زیر دست و پای پلیس و اسبان چابک و خوش نقش، احساس موفقیت به ما جوانان می‌داد. در آن دوران، بچه‌های محل، ما قادر به تهیه بلیط برای ورود به استادیوم امجدیه نبودند و بیشتر اوقات با استفاده از علاقه‌های دوران نوجوانی، خودمان را به داخل استادیوم امجدیه می‌رساندیم تا شاهد دیدن بازیکنان نامدار ایران و هنرنمایی‌های آن‌ها در داخل زمین شماره یک امجدیه باشیم. روز پس از مسابقه هم فقط به تعریف از شیرین کاری‌های ورود زیرکانه به امجدیه می‌گذشت. دوران خاصی بود و هر روز با روش‌های جدید برای مجانی رفتن به داخل استادیوم بیشتر آشنا می‌شدیم و در این کار همگی برای بهرتهای زیادی شدیم!

پس از مرور شیرین کاری‌های ورود به داخل استادیوم امجدیه، نوبت به تعریف و تحسین از بازیکنان می‌رسید. چه کسی گل زد، قیچی بر زمین زد، پاس داد، دریل زد، گل زدن شیرزادگان، پرش‌های افسانه‌ای بهزادی، شیرجه عزیز اصلی، و استیقام مصطفی عرب در مقابل مهاجمان و ... همگی نقل مجلسمان بودند. در این میان احمد آقای مسیح‌زاده مربی بزرگتر از همه ما و با تجربه‌های بسیار فراوان به نکات دیگری اشاره می‌کرد که برای آن تاگی داشت و کمتر به آن توجه می‌کردیم. او بیشتر از مربی، داور، سبک بازی و مسائل غیر فنی، نسبت به میان می‌آورد، واقعاً جذاب بودند. این سخنان ایشان در زمینه ورزش، علی‌الخصوص فوتبال، بیای جدیدی را در ذهن ما باز کرد. یکی از صحبت‌های ایشان تعریف و تمجیدی بود که از همه بزرگ‌تری می‌کرد، از متانت در داخل زمین و اداره بازی توسط او صحبت می‌کرد، گرچه دهداری به علت مصدومیت در بازی عراق، در بازی با هند غایب بود. کاپیتان دهداری واقعاً کاپیتان بود و نبض تیم را در موقعیت‌های مختلف تیم ملی و باشگاه شاهین در اختیار داشت و چهره آرام و در عین حال مصمم او کم‌کم در دل ما جای گرفت. دهداری در زمین بازی کمتر به حرکات نمایشی و تماشاچی‌پسند می‌پرداخت و مانند یک فرمانده باتجربه تیم را به سوی ساحل امن و پیروزی هدایت می‌کرد. تماشاچیان معمولی، علی‌الخصوص جوانان، کمتر او را می‌دیدند ولی مربیان

با تجربه و بازیکنان ژرف‌نگر، کاملاً نقش این کاپیتان بزرگ را درک می‌کردند.

مصاحبه‌های بازیکنان، پس از مسابقه، علی‌الخصوص مسابقات حساس، نظیر بازی با تیم ملی هندوستان، در کیهان ورزشی جاذبه عجیبی داشت. سر کوچه محل، یک نفر مصاحبه را می‌خواند و تعدادی هم غیرمستقیم آن را دنبال می‌کردند. گویی جنس مصاحبه دهداری از سایرین متفاوت‌تر بود و به مصاحبه‌های مربیان و مدیران بیشتر شبیه بود و از سایر بازیکنان پخته‌تر صحبت می‌کرد. بنابراین جایگاه دهداری در دل ما جوانان، یک جایگاه فراتر از یک بازیکن فوتبال معمولی بود. سوابق چهره‌های ورزشی، علی‌الخصوص فوتبالیست‌های تیم ملی، کم‌کم رایج شده و کیهان ورزشی طی مصاحبه‌های مختلف به آنها می‌پرداخت. شهرت فوتبال هم کم‌کم جایگاه خودش را به بالا می‌کشید و انتخاب تیم ملی فوتبال ایران برای حضور در بازی‌های المپیک ۱۹۶۴، رکیو جذاب‌ترین صفحات کیهان ورزشی را به خود اختصاص داده بود. در تهران و زمین‌های خالی اطراف آن از نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به بازی فوتبال موج می‌زد. سه راه آذری، جوادیه، نظام آباد، چهارصد دستگاه و ... مملو بود از تیم‌هایی که به صورت خودجوش به اسامی مختلف هر روز به ندادن آنها اضافه می‌شد. هر تیمی سعی می‌کرد به یک طوری خودش را با یکی از تیم‌های مصروف زمان متبل کند. بچه‌های محل در خوانگاه، چاله حصار، پارک شهر در مرکز تهران، چند تیم فوتبال تشکیل داده بودند. یکی از بچه‌های محل به نام آقای حسن میرزایی که چند سالی از ما بزرگتر بود تیم شاهین پرستو را تشکیل داد و ضمن آنکه ایشان عضو تیم تهران جوان بود و در آن تیم‌های وابسته به تهران جوان بازی می‌کرد ولی علاقه وصف‌ناپذیری به تیم شاهین داشت. با زحمات‌های ایشان با پیوستن ارتباط پیدا کردیم و از همان سال در مسابقات نوجوانان زیر ۱۶ سال در دانشسرای عالی مجتمع در خیابان روزولت (مفتح امروز) شرکت فعال داشتیم.



بنابراین در آن سال‌ها شاهین و مکتب آن در زندگی تک نوجوانان تهران وارد شد.

در این دوران بود که تمام ذهن ما به سوی باشگاه شاهین گرایش پیدا کرد. محبوبیت تیم شاهین تهران روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شد. علی‌الخصوص مکتب شاهین توانسته بود نگاه اهالی روشنفکر آن زمان را که علاقه‌ای به ورزش و فوتبال نداشتند به خود جلب نماید. تیم شاهین توانسته بود نه تنها ذهن ما جوانان بلکه قلب و روح ما را تسخیر نماید و ما در واقع جذب فرهنگ شاهین شدیم. شاهین در آن زمان‌های دهه اول سال‌های چهل به یک تیم فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی معنوی، تبدیل شده بود. برای ما نوجوانان آن زمان، ارتباط با تیم شاهین یعنی ارتباط با یک تیم کاملاً مردمی که بیشتر به یک حزب سیاسی شبیه بود. منشور اخلاقی است که در سرلوحه شعار باشگاه خودش را نشان می‌داد. هر هفته نوشته‌ای به ما می‌دادند که تماماً توصیه‌های اخلاقی، تحصیلی و نیز فوتبالی بود که شبیه مانی‌فست سیاسی بود. اخلاق، تحصیل و فوتبال، در آن زمان و در بین ما نوجوانان شعار جدیدی بود. ما می‌گفتیم یا فوتبال یا درس. بین این دو نمی‌توانستیم در کنار هم تحمل کنیم و فرهنگ آن زمان و پدر مادرها درست تحت تاثیر آن فرهنگ «یا درس یا بازی» بودند. کسانی که فوتبال یا والیبال بازی می‌کردند تنبل‌های کلاس بودند. همیشه رفوزه می‌شدند و کاملاً هم رفتارشان غیراخلاقی بود.

در این دوران دکتر اکرامی، تحصیل کرده ترب، خوش‌پوش، با نزاکت هر چه تمامتر در مقابل ما می‌ایستاد و راجع به مکتب شاهین و شعارهای آن صحبت می‌کرد. پرویزخان دهداری نیز در کنارش بود و برای ما سنبل شاهین و رفتارهای او هکتبه آن بود. در همان دوران حدود هشت تیم به اسامی مختلف با پسوند شاهین به طور مرتب در زمین دانشسرای عالی با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند، نظیر شاهین پرستو، مشعل شاهین، شاهین شاد و ... زمین دانشسرا چمن بود و ما واقعاً در آن چمن و فضای زیبای اطراف، که پر بود از دانشجویان تنومند زیبا، فقط مسابقه نمی‌دادیم، بلکه از آن فضا لذت می‌بردیم. بودن دکتر اکرامی که همیشه بر روی یک صندلی ارج به طور نشسته تمام بازی‌ها را زیر نظر داشت، و بودن چند بازیکن مشهور تیم شاهین در کنار ایشان و شخص دهداری به عنوان کاپیتان تیم ملی و شاهین برای ما یک دنیا انگیزه بود.

ما در زمینی که معلوم نبود مالکیت آن در اختیار چه کسی است، در خیابان فردوسی نرسیده به پل کریم‌خان، به صورت اختصاصی هفته‌ای چند روز تمرین می‌کردیم و مشتاقانه روزشماری می‌کردیم که روز جمعه سر برسد و بتوانیم در زمین چمن و در حضور شاهینی‌ها هنرنمایی کنیم.

هیچ انگیزه‌ای در آن زمان بالاتر از مسابقات روزهای جمعه صبح دانشسرا برایمان مفروض نبود. یکی دو نفر از تیم شاهین پرستو برای تیم منتخب نوجوانان شاهین انتخاب شده بودیم و این انتخاب برای من حکم انتخاب در تیم ملی بود. سر از پا نمی‌شناختم و زندگی ما شده بود باشگاه شاهین. کمی که بزرگ‌تر شده بودیم به زمین خاکی شاهین در قسمت شرق تهران در محله سمنگام می‌رفتیم و در آنجا به مسابقه و تمرین می‌پرداختیم. پرویزخان دهداری اغلب به ما سر می‌زد. یک بار برایمان داستان تشکیل تیم شاهین و مسائل و مشکلات آن را تعریف کرد. او گفت دکتر اکرامی با کمک تعدادی از دانشجویان تیم شاهین را تشکیل داده و بقدری توسعه پیدا کرده که در کل کشور نام شاهین می‌درخشد و به شعری اشاره کرد که دکتر اکرامی از دیوان حافظ الهام گرفته و ناه باشگاه را انتخاب کرده بود،

در هوا چند علقه‌نی و ماهه‌کنی ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

ما با دوستان علاقه‌مند به تیم‌های «لالی»، تهران جوان، تاج، پاس و غیره با این شعر کری می‌خواندیم و می‌گفتیم «شاهین آمد». در سال ۱۳۴۴ که شاهین قهرمان شد یک دنیا برای ما شور و شغف با خود آورد و یک لحظه عشق به شاهین نمی‌توانستیم جدا شویم و وفادار اصیل شاهین شدیم.

یک بار در فدراسیون فوتبال آقای صفایی فراهانی، با یکی از مدیران تازه به دوران رسیده که ادعاهای زیادی در فوتبال داشت به بحث پیرامون وفاداری تماشاچیان به تیم‌های فوتبال پرداختیم. مثالی برای ایشان زدم و اینکه در دنیا بسیاری از ورزشکاران اصل به یک تیم یا باشگاه تا پای جان از تیمشان دفاع می‌کنند. در باشگاه بوکیت جونیر آرژانتین تماشاچیان بوده‌اند که وصیت کرده‌اند اگر مردند آنها را با پرچم بوکیت جونیر به خاک بسپارند و منتهی‌المرور در آلمان، انگلیس، فرانسه، اسپانیا و... چنین وفادارانی وجود دارند. او گفت همه اینها دیوانه‌اند! فوتبال یک بازی مثل سایر بازی‌هاست. به هر حال هر چه سعی کردم این‌گونه واقعیت‌های موجود در محیط فوتبال را برایش بگویم بی‌فایده بود چون خودش تا یکی دو سال پیش اطلاعاتی راجع به فوتبال نداشت. در این موقعیت متوجه شدم که مدیران فوتبال در سطوح باشگاه، فدراسیون و تشکیلات لیگ باید از جنس فوتبال باشند و خودشان روزی دیوانه فوتبال بوده باشند تا علاقه مردم را به باشگاه مورد نظرشان را درک بکنند و بر اساس این وفاداری و عشق و علاقه مردم پاک‌دل و باصفا بتوانند تصمیمات صحیح بگیرند.

بنابراین در آن سال‌ها شاهین و مکتب آن در زندگی تک تک جوانان آن زمان وارد شد.

بسیاری از بازیکنان اسم شاهین را برای فرزند پسر خودشان انتخاب کردند، علی‌الخصوص بازیکنان تیم شاهین و هوادارانشان.

پرویز دهداری خود ذوب در این فرهنگ و مکتب شاهین شد و تلاش‌های بی‌امان او نه تنها با آن مکتب عجین گردید بلکه بر غنای آن افزود، و حتی در سال‌های آخر حضور خود در شاهین نسبت به شکاف‌هایی که در ارزش‌های اخلاقی بوجود آمده بود محکم و استوار ایستاد و از چارچوب بنیادهای اخلاقی فاصله نگرفت و به آن معتقد بود.

انگیزه نوشتن این کتاب پس از ۲۴ سال تأخیر بعد از وفات پرویزخان فقط ادای دینی بود که همیشه سبب به ایشان داشتم. البته در کلیه کلاس‌های درس، نوشته‌های پراکنده حتی کتابی تحت عنوان «کاربردهای روانشناسی در مربیگری فوتبال - با تأکید بر اخلاق ورزشی»، سالروز وفات پرویزخان و مناسبت‌های روز معلم، خاطرات ایشان در سرلوحه قرار داشت. در بسیاری از مصاحبه‌های اختصاصی و ویدئوهای اخلاقی پرویزخان نیز یاد و خاطره ایشان مطرح می‌گردید. ولی هیچ زمانی با فکر جمع‌آوری اطلاعات و خاطرات پرویزخان دهداری در یک مجموعه به فکر خطور نمی‌کرد. در یکی از کلاس‌های المپیک سالیدارتی، که توسط کمیته ملی المپیک و زیر نظر مستقیم کمیته ملی المپیک برگزار می‌شد، راجع به یکی از خاطرات پرویزخان صحبت کردم. در آن جلسه، استاد علم، آقای دکتر گائینی، از همکاران دانشگاه تهران، حضور داشت و پس از پایان صحبت‌های کلاس با یک گله نسبت به اینکه چرا همیشه درباره خاطرات آقای دهداری صحبت می‌کنید ولی هیچگاه اقدام به جمع‌آوری این خاطرات در مجموعه یک کتاب ارائه نشده است. در واقع یک شوک معنوی از ایمان دریافت کردم و گرچه در فردای آن روز کتاب «کاربردهای روانشناسی در مربیگری فوتبال - با تأکید بر اخلاق ورزشی»، که مزین به تصویری از دهداری بر روی کتاب و خاطرات به ترتیب با ویژگی‌های مربیگری پرویزخان بود، به ایشان تقدیم نمودم.

شوک دوم را از طرف آقای دکتر قراخلو، استاد معظم دانشگاه تربیت مدرس و رئیس پژوهشگاه تربیت بدنی، دریافت نمودم. در یکی از جلسات، به پاس بزرگداشت روز معلم که بسیاری از مربیان پیش‌کسوت در دانشگاه تربیت مدرس مورد تقدیر قرار گرفتند، بنده هم حضور داشتم. در آن جلسه به پشت‌تربییون دعوت شدم و خاطره‌ای از مرحوم دهداری برای حاضرین تعریف کردم. آقای دکتر مسعود معینی نیز، یکی دیگر از سخنرانان جلسه، راجع به یک خاطره جالب از دهداری همه حاضرین را به وجد درآورده بود. در پایان جلسه آقای دکتر قراخلو با یک

پرسش مرا مخاطب قرار داد که چرا راجع به این خاطرات جالب یک پروژه فرهنگی تهیه نمی‌کنید. پس از مختصری بحث پیرامون موضوع، مقرر شد اینجانب پروژه‌ای فرهنگی، شامل تمام خاطرات دهداری در یک مجموعه، تعریف و به پژوهشگاه تحویل داده شود.

پس از مذاکرات با پژوهشگاه کار تهیه و تدوین خاطرات در یک بخش کتاب و در بخش دیگر با روش تحقیق کیفی به نام «روش روایی»^۱، با شش گروه شامل: خانواده و بستگان، همبازیان، مربیان همکار، بازیکنان باشگاهی قبل و بعد از انقلاب، بازیکنان ملی قبل و بعد از انقلاب و مدیران وقت فدراسیون فوتبال، مصاحبه‌هایی انجام گیرد.

تابستان ۱۳۹۵ برای دیدن خانواده دخترم عازم آمریکا شدم و به طور تمام وقت و با تمرکز، روزانه بین ۶ تا ۸ ساعت روزی، این کتاب وقت گذاشته شد که به نظرم یک فرصت طلایی، بدور از هرگونه مشکلات کاری و هرز رفتن اوقات، کار اولیه نوشتن این کتاب به پایان رسید. ضمن اینکه آقای مهدی خاوری، از دانشجویان دکتری مدیریت ورزشی، مشغول جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های باز^۲ افراد مرتبط گردیدند که به طور همزمان امکان تهیه و تدوین این کتاب فراهم گردید.

یکی دیگر از انگیزه‌های تدوین کتاب حاضر، ونا رو به کاهش ارزش‌ها و معیارها اخلاقی در محیط امروز فوتبال کشور و نیاز به تحلیل و ارزیابی به منظور تغییر در این روند منفی، و حرکت به سوی یک محیط مطلوب اخلاقی در فرهنگ فوتبال می‌باشد. چنانچه علت‌های اصلی این روند اخلاقی که به سوی کاهش در حرکت است، مشخص گردد، چه بسا با کمک دست‌اندرکاران، علی‌الخصوص مربیان فوتبال، که نقش اساسی و برجسته‌ای در این فرآیند برای آنها متصور می‌باشد، می‌توان قدم‌های مثبت برداشته شود. همیشه سرگشته‌ایم برای بسیاری از انسان‌ها می‌تواند سرمشق‌های مفیدی را ارائه بدهد. اصولاً علم تاریخ و فلسفه وجودی آن برای اینست که از گذشته‌ها باید درس آموخت و حرکت‌های مناسب، پی‌گیری و روندهای منفی شناخته و با آن مبارزه کرد. فرهنگ دهداری‌ها و دکتر اکرامی‌ها در بسترهای کاملاً آماده و مناسب شکل نگرفتند. نه تنها در کشورمان، بلکه در بسیاری از جوامع دیگر چنین افرادی در محیطی بسیار ضعیف و غیرقابل تصور به پا خواستند و یک جمعیتی را به سوی رستگاری هدایت کردند. لامباردی، هیز، کانسلمن، وودن، لاندی، سراتی، همیلتون و ... در آمریکا کارهایی در حد معجزه برای پرورش نوجوانان و جوانان آن دیار انجام دادند. در مورد این‌گونه مربیان اساطیری،

گری والتون به آنها لقب مربیان فیلسوف داده است. والتون می گوید دودمان مربیان فیلسوف در خطر انهدام است و مرور زمان و فضای متحول ورزش، آن را بیشتر تهدید می کند. پیچیدگی سازمانی رو به رشد و ورزش تجاری در قالب تیم های حرفه ای، ترکیب مهارت های ضروری و مورد انتظار از مربیان را دگرگون ساخته است. خلاصه آنکه، مربیان فیلسوف همچون حکیمان باستان و پادشاهان فیلسوف اند که باید از آنان پیروی کرد (والتون، گری؛ به نقل از صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۸۵).

به نظر نویسنده، به هر مقدار، بیشتر در مورد علل روند رو به کاهش ارزش های اخلاقی کند و کاو گردد، بهتر می توان به عوامل اثرگذار برای بهبود شرایط دسترسی پیدا کرد. در این میان، پرویز دهداری، در شرایط کاملاً غیرآماده و ضعیف فرهنگ فوتبال در گذشته، با روش های عقلانی و مسئولانه تحت اثرات انکارناپذیر بر فرهنگ فوتبال این مرز و بوم بر جای بگذارد. در این زمینه خاطرات و مثال های عینی بسیار زیادی از ایشان در این کتاب آورده شده است که به نظر نگارنده فقط گوشه ای از بزرگواری و واقعیت برای آموزش یک فرهنگ متعالی را به نمایش گذاشته است.

به نظر می رسد هنوز تشنگان یک فرهنگ متعالی، برخاسته از فرهنگ عمومی دینی و ملی ما ایرانیان، در بین اهالی و دست اندرکاران و بال کشور موجود است و بارها و بارها با اینگونه انسان ها محسوس بوده و هستیم. در این میان خلیفه رنگ، مربیان فوتبال در زمینه فرهنگ سازی و پرورش نوجوانان و جوانان انکارناپذیر است. آن ها می توانند این حرکت قطار منحرف شده از ریل اخلاق و ارزش های اصیل ورزشی را مجدد به جایگاه اصلی، به پیش بازگردانند. فقط باید راه درست تر شناخته و با واقعیت های موجود هم زیاد فاصله نداشته باشد. بهر حال ورزش فوتبال به صورت یک صنعت و تجارت مهم شناخته شده است و اصول و معیارهای صنعتی و تجاری آن نسبت به فرهنگ فوتبال سابق با تغییرات اساسی روبرو شده است. ولی با توجه ژرف می توان با استخدام ارزش ها و معیارهای اخلاق حرفه ای، صنعتی و تجاری، خدمات ارزنده ای را به فرهنگ فوتبال امروز در جامعه عرضه کرد و این مسیر و راه بسیار پریچ و خم و چالش برانگیز خواهد بود. در این میان، همان گونه که اشاره شد، مربیان در خط مقدم این جبهه پرچالش قرار دارند و امید است تا شاهد ظهور مربیان فیلسوف نسل جدید باشیم. انشاء...

مقدمه

کتاب "مکتب دهداری؛ فراتر از فوتبال" متشکل پنج فصل است. فصل اول شامل تحلیلی بر زندگی مرحوم دهداری از طلوع تا غروب با زیر بخش‌هایی در زمینه‌های مکتب شاهین، تولد تیم‌های گارد و هما و نیز مربی‌گری ایشان در تیم‌های ملی ایران در قبل و بعد از انقلاب می‌باشد. در این فصل نیز در مورد حضور دهداری در استادیوم آزادی و رحلت به دیار باقی مطالبی ارائه گردیده است. در هر زمینه‌ای از مطالب فوق‌الذکر خاطراتی مرتبط بیان شده است تا رفتارها و مصادیق عینی در این چارچوب‌ها به نمایش گذاشته شود.

در فصل دوم؛ در بیان از مجموعه دیگران شامل همبازیان، همکاران، هواداران، بازیکنان تیم‌های ملی قبل و بعد از انقلاب، بازیکنان نیرهای باشگاهی که مسئولیت مربیگری آن را به عهده داشته‌اند و مدیران فدراسیون فوتبال به نامبرده کار کرده‌اند، معرفی می‌شود.

در فصل سوم تحلیلی بر عملکرد دهداری در زمینه‌های فلسفه مربیگری و کلیه خصوصیات اعتقادی و رفتاری در چهارده جنبه ارائه گردیده است. جنبه‌هایی که صفات بارز ایشان را به تصویر می‌کشد.

فصل چهارم؛ برخاسته از یک پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. در این پژوهش چهار ویژگی مرحوم دهداری شامل: مکتب دهداری، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری و ویژگی‌های مربیگری و نیز برخی ویژگی‌های فنی ایشان، در آن یافته‌های فرعی ارائه شده است.

در فصل پنجم؛ تحت عنوان "سخن آخر و چالش‌های پیش روی فوتبال امروز" برای آشنایی مربیان، مدیران و بازیکنان با سبک و فلسفه مربیگری مکتب دهداری، مطالبی به‌منظور راهنمای عملی برای آینده ارائه شده است.

امید است این مختصر از تاریخچه حرفه‌ای زنده‌یاد مرحوم پرویز دهداری، به‌عنوان یکی از مربیان خوشنام، توانسته باشد راهنمایی برای مربیان، مدیران و بازیکنان فوتبال کشورمان محسوب گردد. انشا الله ...

محمد خبیری

مهدی غفوری یزدی